آقای بهشتی - علی بن مهزیار

اعوذو بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحیم

چه بحثی را شروع کردیم به نظرم خیلی زیباست قهرمانان توحید در تصمیم گیری ها از اونها الهام بگیرید توی گرفتاری ها با دست اونها گره ها را باز کنید راهگشا هستند می توانند دست ما را بگیرند و می توانند به ما دعا کنند قهرمانان توحید در این برنامه علی ابن مهزیار اهوازی وفا اقتضا می کند یکی دو دقیقه راجع به خوزستان و نقش خوزستان در این هزار و چند صد ساله مهد تشیع و محبان اهل بیت و عاشقان ائمه اطهار در خوزستان الان بعضی از شهرهای خوزستان مثل دزفول و شوشتر شاید چهل پنجاه گنبد است که از علما مفاخر شیعه در اونجا خفته اند شهر اهواز و شهرهای خوزستان در طی این هزار و چند صد ساله مهد تشیع بودند عالم بسیار بزرگی مثل شیخ مرتضی انصاری الان سالیان دراز است که همه حوزه های فقهی شیعه سر سفره او نشسته اند و عالمی که بیش از صد سال خدمت کرد و مرحوم شوشتری علمای بزرگی از قرن اول و قرن دوم تا کنون در خوزستان مایۀ مباهات تشیع هستند و در روزگار ما نقشی که خوزستانی ها در انقلاب اسلامی ایران و در دفاع مقدس داشتند دشمن وقتی به سرزمین ما طمع کرد از خوزستان خواست وارد شود و خیلی هم مغرورانه به سرعت می خواست خودش را به تهران برساند خوزستانی ها با تن و فرزندانشان و با عزیزانشان ایستادگی کردند و سالها آوارگی را تحمل کردند برای اسلام و برای شیعه و برای انقلاب اسلامی خوزستانی ها وفادار بودند و در طی این چهار دهه نشان دادند که دشمن نمی تواند به اونها طمع کند این نکته ی اول.

نکته ی دوم علی ابن مهزیاز اهوازی است پدرش مسیحی بود نوجوان بود علی که این خانواده مسلمان شدند اون هم از نوع شیعه، محب علی ابن ابیطالب علیه السلام از نوجوانی راه اسلام را پذیرفت امروز شاید روزی نباشد در دنیا که از ادیان دیگر پیروان ادیان دیگر به اسلام می گروند گزارشاتش در فضاهای مجازی وجود دارد ادیان آسمانی هر کدام نسبت به دین بعدی بشارت می دادند و نسبت به دین قبلی تأیید می کردند زنجیره ای است از نور ادیان آسمان دین های آسمانی با هم مخالفتی ندارند ما مسلمان ها در قرآن این را آموخته ایم که همه ی پیامبران را قبول داریم و همه پیامبران را باور داریم اونها حلقه های نورانی یک زنجیر هستند که ما را به خدا مرتبط می کنند موسی ابن عمران و عیسی بن مریم بشارت آمدن پیامبر اسلام را دادند یهودی ها چرا اومدند مدینه اونها که اهل مدیترانه بودند در جای خوش آب و هوا زندگی می کردند به عشق دیدار این پیامبر اما متاسفانه وقتی پیامبر را شناختند به دلائل واهی از روی هوای نفس تن ندادند اما داریم ما مسیحیان و یهودیانی که عاشقانه از عمق جان مسلمان شدند وقتی جعفر بن ابیطالب که در برنامه مستقل سرگذشت او را برای شما عزیزان تعریف خواهم کرد وارد کاخ نجاشی شد و آیاتی از قرآن را تلاوت کرد و دستاوردهای اسلام را بیان کرد کشیش ها گریستند و نجاشی ایمان آورد.

قران کریم در سوره مائده آیات 82 و 85 این سوره ماجرای شوق و ذوق مسیحیانی که وارد مدینه شدند و به مسجد آمدند و اسلام آوردن خودشان را به نمایش گذاشتند چقدر زیبا بود ای کاش این دوربین های تصویر برداری می بود و این صحنه ها را برای ما به نمایش می گذاشت و می گریستند و وارد مسجد می شدند دوست دارم این چند آیه را برای ترجمه بیان کنم می فرماید  ۖ وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُمْ مَوَدَّةً لِلَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصَارَىٰ ۚ (مائده، 82) نزدیک ترین ملت ها به مسلمانان مسیحی ها هستند اونها از نظر محبت و مودت به اسلام درجه یک هستند چرا؟ ذلک بانهم قصصین چون بین اونها دانشمندان هستند قصیص همان عربی کشیش هست یعنی دانشمند و رهبانا و زاهد بودن و دلبستگی به دنیا نداشتند به این دو دلیل به دلیل دانش و به دلیل دلبستگی نداشتن اسلام آوردند و انهم لا یستکبرون آدم های متکبری نبودند تا حق را شناختند انعطاف نشان دادند وَ **إِذا سَمِعُوا ما أُنْزِلَ إِلَى الرَّسُولِ‌** (مائده، 83) وقتی آیاتی که بر رسول نازل می شد می شنیدند و ترا اعینهم و تفیض من الدم من ما عرفوه چشمان اونها را می دیدید اشک بار به خاطر معرفتی که به حقایق پیدا کردند من الحق یقولون می گفتند ربنا آمنا پروردگارا ما ایمان آوردیم و اسلام را پذیرفتیم فاکتبنا مع الشاهدین ما را گواهان حق همراه پیامبر اسلام قرار بده وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ  (مائده، 84) ما چرا ایمان نیاوریم به الله و حقایقی را که الله فرستاده وَنَطْمَعُ أَنْ يُدْخِلَنَا رَبُّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ امید نداشته باشیم خداوند ما را در بین صالحان قرار بدهد ما چشمون است حق را شناختیم و پذیرفتیم فاصابنا الله قالوا به خاطر همین گفته خداوند پاداشی به اونها داد جنات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها بهشت هایی که از زیر درختانش نهرها جاری است برای همیشه و ذلک جزاء المحسنین این است پاداش نیکوکاران گرایش به اسلام علی رغم تبلیغات سوئی که برای آمریکا وجود دارد پر شتاب است قرآن را آتش می زنند تیراژ قرآن بالا می رود این به خاطر زیبایی است که در اسلام است و به خاطر عقلانی و فطری بودن اسلام است.

علی ابن مهزیار اهوازی

همه ملت ایران و اسلام این شخصیت را بشناسند مخصوصا خوزستانی ها به خودشان ببالند مخصوصا به زیارت این شخصیت رفتند در خوزستان از فقها و محدثان مشهور و بزرگ شیعه بود مسیحی زاده اما تازه مسلمان که علاوه بر مقام علمی و فقهی برجستگی های اخلاقی او زبانزد بود همه او را به مکارم اخلاق می شناختند کنیه اش ابوالحسن از اصحاب امام هشتم امام نهم و امام دهم نزد امامان جایگاه و منزلت والایی داشت و من وقتی اینها را می خواندم یا برای شما می نوشتم پیش خودم می گفتم آیا امام زمان علیه السلام وقتی نگاه می کند به ما و یا کارنامه ما را می بیند چه احساسی دارد ببینید امامان ما درباره علی ابن مهزیار چه گفته اند شیخ طوسی این عالم بزرگ او را دانشمندی مورد اعتماد و دارای اعتقادی راسخ و صحیح و از اصحاب امام نهم و دهم دانسته در روزگاری می زیسته علی ابن مهزیار که فرقه های انحرافی مثل روزگار ما هر روزی یک فرقه ای اعلام موجودیت می کرده روزگاری که شخصیتی مثل عبدالعظیم حسنی شخصیت خودش را برای امام تعریف می کند که امام تایید کند اینقدر اوضاع فکری آشفته، کتاب های زیادی از یونانی به زبان مسلمان ها ترجمه شده در اختیار کتاب های فلسفی کتاب های علمی کتاب های مبتذل که وسیله انحراف جوان ها را فراهم می کند علی ابن مهزیار در این روزگار زندگی می کند دوست دارم این حدیث را همین جا برای شما عزیزان بخوانم در حدیث می خوانیم علماء امتی مرابطون پیغمبر فرمود علمای امت من مرزداران هستند فِي الثَّغرِ **الّذي يَلي إبليسَ و عَفاريتَهُ** ، چه مرزی؟ مرزداران مرزداران خاکی یا آبی یا آسمانی یا نه مرزهای عقیدتی اونجایی که شیطان ها و افریطه های شیطان ها با القای شبهه می خواهند اعتقادات مردم را آسیب بزنند علما همانجا بیدار نشستند و افکار را راهنمایی و راهبری می کنند علی ابن مهزیار یکی از اونهاست از یاران خاص امام جواد علیه السلام امامان ما یارانشان طبقه بندی داشته بعضی خیلی درجه یک از نزدیکان و خواص امام هستند بسیاری از روایاتی که نقل کرده علی ابن مهزیار از امام جواد علیه السلام است ویژگی امام جواد علیه السلام شیعیان می دانند اولین امامی است که در کودکی به امامت رسیده خیلی ها تردید داشتند در اینکه می شود یک کودک امام باشد امام جواد علیه السلام و امام رضا علیه السلام در پاسخ می فرمودند بله به قرآن مراجعه کنید عیسی ابن مریم و یحیی پسر زکریا و سلیمان پسر داوود این سه پیامبر در کودکی و نوجوانی به پیامبری رسیدند باور کنید خدا بخواهد می شود ولی تثبیت و تقویت این اعتقاد کار سختی بوده که علی ابن مهزیار این کار را می کرد عاشق جواد الائمه در موارد متعدد امام جواد علیه السلام علی ابن مهزیار را مورد ستایش قرار داده به او دعای خیر کرده ما در پایان دعای ندبه یکی از خواسته هایمان از خدا این است و هب لنا خدایا بده به من رأفته و رحمته محبت امام زمان را و دعائه و خیره خدایا یک کاری کن امام زمان به من دعا کند و امام زمان من را دوست بدارد امام جواد علیه السلام به علی ابن مهزیار چه دعایی کرده نامه ای نوشته فرمود نامه ات علی ابن مهزیار نامه ات به دست من رسید از محتوای اون مطلع شدم و مرا غرق در شادی و سرور کردی خداوند تو را خوشحال کند شده یک بار ما امام زمان را شاد کنیم امام زمان لبخند بزند به ما خطاب کند که فلانی خیلی از دستت راضی هستم دلم را شاد کردی با این عمل کردنت در نامه ای دیگر علی ابن مهزیار به امام جواد نامه نوشته و از حضرت خواسته به او دعا کند امام در پاسخ نوشته اند که اما راجع به دعایی که از من خواسته بودی تو نمی دانی که خداوند تو را در نزد من چگونه قرار داده خیلی دوستت دارم به خاطر محبتی که به تو دارم گاهی تو را با نام صدا می زنم ماها وقتی می خواهیم ادب را رعایت کنیم با لقب صدا می زنیم افراد را وقتی می بینیم خیلی جون جونی است با اسم کوچک صدا می زنیم علی ابن مهزیار این را با لقب صدا زده اینقدر دوستت دارم گاهی تو را علی صدا می زنم خداوند آن چه را به تو روزی کرده به بهترین شکل پایدار بدارد و با خوشنودی من از تو او هم از تو خوشنود گردد و تو را به آرزویت برساند نمی دانیم چه آرزویی داشته علی ابن مهزیار از امام معصومه خواسته او از خدا بخواهد مستجاب شود با لطف خود تو را در فردوس اعلا مهمان سازد خداوند تو را دوست بدارد و حفظ کند می شود امام زمان این دعاها را به ما بکند در این دنیای پر فساد و پر غوغا یک نامه دیگر امام جواد علیه السلام ممکن است شما بفرمایید که الان هم می شود ما نامه بنویسیم به امام زمان بله در زمان امامان دیگر هم رسم بوده شیعیان از راههای دور دست دو هزار کیلومتر اون طرفتر دستش نمی رسیده به امام نامه می نوشته به جوی آب می داده یا به چاه آب می انداخته درد دل کنیم با امام زمان اون گره های سخت را باز شدنش را از امام زمان بخواهیم نامه بنویسیم برای امام زمان امام جواد علیه السلام در یک نامه دیگر می نویسند ای علی خداوند پاداش نیک به تو بدهد و در بهشت خود تو را ساکن کند و از ذلت و خواری در دنیا و آخرت تو را بر حذر دارد خداوند تو را با ما محشور کند ما در بعضی از دعاها که امامان به ما یاد دادند از خدا این را می خواهیم در قیامت با اهل بیت محشور بشویم و با امام حسین محشور شویم و در بهشت همسایه پیامبر باشیم نظر بلند باشیم در خواسته هایمان علی، علی ابن مهزیار اگر بگویم کسی را مانند تو ندیده ام امیدوارم راست گفته باشم یعنی در بین یارانش امام جواد علیه السلام یکی را بی نظیر می بیند استثنایی می بیند و خالص و پاک خوش اخلاق و خوش باطن علی ابن مهزیار در کنار علوم و دانش زیادی که داشت از عبودیت و پرستش خالق برخوردار بود عبادت های او زبانزد بود همه می دانستند اهل سجده های طولانی است چهره او نشان می داد بندگی خدا را به قول قران می فرماید سیماهم فی وجوههم من اثر السجود همراهان پیامبر اسلام از چهره شون بندگی خدا نمایان است با طلوع خورشید به سجده می رفت و به هزار نفر دعا می کرد به ما گفته اند در دل شب برخیزید به چهل نفر دعا کنید گاهی وقتها عجله داریم این چهل تا را بگوییم بعد به خودمان دعا کنیم این را می گوید برای پرورش روحیه انسان دوستی فقط به گرفتاری و مشکلات خودمان نگاه نکنیم چقدر جوان بی همسر و مریض در همسایه ها و چقدر مسلمان مظلوم درگیر مبارزه با ظالم به هزار نفر دعا می کرد در سجده این قلبش سرشار بود از مهر به مردم و لذت می برد اگر گره از کار کسی باز می شد چرا امام جواد اینقدر این شخصیت را دوست دارد علی ابن مهزیار سی و سه کتاب نوشته سی و سه کتاب و مقاله نوشته دانشمندی است بزرگ و صاحب تالیفات خوزستانی ها الگو می گیرند از علی ابن مهزیار بهترین پژوهشگران ما در ایران باید از خوزستان باشند هستند اعلام کنند و افتخار کنند در سرزمینی که نخبه پرور بوده و ارادتمندان به اهل بیت در اونجا آوازه شون جهان را گرفته شیخ طوسی درباره علی ابن مهزیار گفته کثیر الروایه زیاد روایت از امام معصوم علیه السلام نقل کرده بعضی از کتاب هایش را که بزرگان ما نوشته اند در حوزه قرآن و تفسیر و فقه کتاب دارد درباره وضو و نماز و درباره زکات و کتاب دارد درباره روزه و حج و طلاق و حدود و تجارت و اجارات و مکاسب درباره تفسیر قرآن و فضائل مومنین و تقیه و صید و نوشیدنی ها و نذر و قسم اینها برخی از کتاب های علی ابن مهزیار است اون شاگرد خوبی بوده و استاد خوبی بوده بعضی ها شاگرد خوبی هستند اما شاگرد پروری نمی کنند بعد از خودشان تالیفات ندارند و بعد از خودشان شاگردان زیادی ندارند علی ابن مهزیار هم نزد بزرگان زیادی تحصیل کرده و هم شاگردان بسیار زیادی را پرورش داده نخبه پروری و شاگرد پروری همین دیروز در رادیو یک خانم پروفسوری داشت خودش صحبت می کرد که می توانسته در اروپا هم ادامه کار داشته باشد آمده به کشور خودش اولین بانوی پروفسور در رشته شیمی در ایران از افتخارات این بانو یکی این هست که شاگردان زیادی در دانشگاه شهید بهشتی پرورش داده یعنی شخصیت خودش را ادامه داده تا سالیان دراز وجود دارد امیر المومنان به فرزندش امام حسن می فرماید تو ادامه من هستی خوشبختی تو خوشبختی من است و ناراحتی تو ناراحتی من است علی ابن مهزیار مایه مباهات ائمه بوده.

گفته اند علی ابن مهزیار قبل از تولد امام زمان علیه السلام از دنیا رفته ممکن است شما بفرمایید ما که شنیدیم علی ابن مهزیار به دیدن امام زمان علیه السلام رفته همین جا باید این توضیح را بدهم ما دو تا علی ابن مهزیار داریم یک علی ابن مهزیاری که زیارتگاه دارد در اهواز اونی بود که الان گفتیم و قبل از تولد امام زمان علیه السلام از دنیا رفته و یک علی ابن مهزیار دیگری که این شخصیت را هم در همین برنامه می خواهیم بیان کنیم بعد از غیبت مثلا در روزگاری با فاصله شاید 50 سال و شصت سال با علی ابن مهزیار قبلی از بستگان او هست زندگی می کرده پس علی ابن مهزیار قبل از تولد امام زمان علیه السلام داریم از یاران امام نهم و دهم و علی ابن مهزیار دوران غیبت داریم امام زمان علیه السلام غیبت فرمودند و شیعیان چشم به راه هستند تا تمثال مبارک امام زمان را ببینندد

علی ابن ابراهیم مهزیار عباسی سال های آغاز غیبت امام زمان علیه السلام برای محبان و دوستداران حضرت خیلی سخت می گذشت نمی توانستند باور کنند که امامشان زنده باشد ولی غایب به دنبال گمشده خودشان می گشتند و نا امید هم نمی شدند این را از قران آموخته بودند بچه های یعقوب از دیدار و پیدا شدن یوسف مایوس می شدند اما پدر می فرمود مأیوس نشوید یأس از لشکریان شیطان است امید به خدا راه و رسم پیامبران است می فرمود فتحصصوا من یوسف بروید بگردید یوسف را پیدا کنید برادران بالاخره یوسف را پیدا کردند علی ابن مهزیار از نواب اربعه شنیده بود که امام زمان را اگر می خواهید دنبال یک جا می گردید در مراسم حج است یکی از جاهایی که امام زمان علیه السلام مطمئنا در اون مراسم و مکان هست مراسم حج است این هم نشان می دهد که مراسم حج این مراسم پر شکوهی که مسیحی ها و یهودیها و بودایی ها با این حجم و با این شکوه ندارند و اسلام این گونه تدبیر کرده که مسلمان ها از دورترین جا با زبان های مختلف زن و مرد و پیر و جوان از جاهای مختلف سالی یک بار جمع شوند و با خدای خویش راز و نیاز کنند و توانایی های خودشان را در میان بگذارند و مشکلات خودشان را در میان بگذارند و برای سال آینده برنامه ریزی کنند امام زمان علیه السلام در مراسم حج حضور دارند همین الان هم اونهایی که حج قسمتشان می شود از همان حرکتی که در خونه شون دارند یکی از قصد هایشان این باشد ای خدا قسمتم کن امام زمان را ببینم و در حال طواف و در عرفات و در مشعر و در منا و زیر اون چادرها بوده اند کسانی که در مراسم حج امام زمان علیه السلام را دیدند حالا به عشق این سخن علی ابن مهزیار اهوازی بیست سفر مکه رفته تا امام زمان را ببیند اما نشد سفرهای اون روزگاران هم خیلی سخت بود این مسافت طولانی را خیلی از حاجیان در جاده ها از دنیا می رفتند و مریض می شدند و خانواده هایشان خبر مرگ اونها را می شنیدند علی ابن مهزیار بعد از بیست سفر دیگر نا امید شد به خودش گفت دیگر نمی روم حتما من لیاقت ندارم نمی روم دیگر یک خوابی دید که علی ابن مهزیار امسال را هم بیا حتی به دوستانش به حاجیانی که اون سال در اهواز و خوزستان عازم مکه می شدند گفته بود من امسال نمی آیم اما به خاطر این خواب گفت امسال هم بروم بلکه روی یار را ببینم ما در دعای عهد یکی از خواسته هایمان از خدا این است **اَللّـهُمَّ اَرِنيِ الطَّلْعَةَ الرَّشيدَةَ** خدایا امام زمان را به من نشان بده معلوم است شدنی است منتهی یک چشم پاک می خواهد و یک زبان پاک و دل پاک می خواهد و یک روح پاک می خواهد این قصه را خود علی ابن مهزیار تعریف کرده که شیخ طوسی در کتاب خودش شیخ طوسی عالم فرزانه و درجه یک مطمئن دو تا از چهار کتاب معتبر شیعه از شیخ طوسی است یعنی کسی بخواهد عظمت شیخ طوسی را بفهمد از چهار کتاب ما شیعیان که در رده ی بالا قرار دارد این قصه را شیخ طوسی یک آدم عادی نیست که یک خوابی را تعریف کند مطمئن بوده علی ابن مهزیار می گوید من به عشق دیدار امام زمان علیه السلام عازم شدم تا اینکه حرکت کردیم و رهسپار مدینه شدیم در مدینه از بازماندگان امام حسن عسگری جویا شدم ولی پاسخی نیافتم و اثری ندیدم عازم مکه شدیم در مسجد جحفه نماز خواندیم و صورتم را به خاک گذاشتم و برای تشرف امام حسن عسگری علیه السلام در پیشگاه خدا تضرع کردند در مسجد الحرام طواف کردم و اعتکاف ببینید اینها کلیدهای دیدار است اعتکاف کردم پس از اعمال حج دائما در گوشه مسجد الحرام تنها می نشستم و فکر می کردم گاهی با خودم می گفتم آیا خواب من درست است یا خیالات بوده شبی نشسته بودم در مسجد الحرام جوان زیبا و خوشبویی را دیدم که به آرامی راه می رود و طواف می کند و دلم متوجه او شد پا شدم به سمت او رفتم تا متوجه من شد پرسید اهل کجایی؟ گفتم اهواز پرسید ابن خصیب را می شناسی؟ گفتم خدا او را رحمت کند از دنیا رفت گفت خدا او را راحمت کند که شبها بیدار بود و بسیار به درگاه خدا می نالید و همیشه اشکش جاری بود اونگاه پرسید علی ابن مهزیار را می شناسی گفتم بله خودم هستم گفت ای ابوالحسن خدا تو را حفظ کند خداوند به تو اجازه داده تا امامت را دیدار کنی برو با رفقایت خداحافظی کن و شب بیا به محله شعب بنی عامل من با خوشحالی فوق العاده به منزل رفتم و وسایل سفر را آماده کردم و با رفقا خداحافظی کردم و راه افتادم به شعب رسیدم همان جوان را دیدم که مرا صدا می زند ای ابوالحسن نزد من بیا و نزدیک شدم گفت پیاده شو تا نماز شب بخوانیم نماز شب خواندیم و سجده طولانی کردیم و تعقیب خواندیم اونگاه سوار شدیم و تا طلوع سپیده راه رفتیم اونگاه پیاده شدیم و نماز صبح خواندیم پس از نماز راهی طائف شدیم هوا در حال روشن شدن بود پیاده شدیم گفت چه می بینی گفتم یک طلی از ریگ که خیمه ای بالای اون هست و نور داخل اون خیمه تمام صحرا را روشن کرده بود گفت درسته منزل مقصود همانجاست جایگاه مولا و محبوب ما همانجاست حرکت کردیم تا اجازه داخل شدن دادم و وقتی وارد شدم چشمم به جمال آقا افتاد سلام کردم با شتاب به سوی آقا رفتم و خودم را به دست و پای امام انداختم و دست و پای امام را می بوسیدم دیدم امام علیه السلام جایی نشسته اند و اندامشان در کمال لطافت و مانند گل بابونه رنگ مبارکشان گندم گون در سرخی مانند گل ارغوان ولی در عین حال چندان سرخ نبود و قطرات عرق مثل شبنم بر صورتشان نشسته و پاکیزه و پاک سرشت نه بسیار بلند و نه چندان کوتاه بلکه متوسط القامه و پیشانی گشاده و ابروان کمانی بر گونه راستشان خالی مانند مشتی بر عنبر کوبیده شده سلام کردم از من بهتر جواب گفتند فرمودند ابوالحسن ما شب و روز منتظر ورودت بودیم چرا اینقدر دیر نزد ما آمدی عرض کردم راهنمایی پیدا نکردم مرا خدمت شما بیاورد آنگاه فرمود می دانی دلیل فراق شما با ما چی است؟ چون شماها فکرتان دنبال جمع کردن مال است شماها نسبت به بینوایان و مستمندان بی توجه هستید شماها نسبت به خویشاوندان بی توجه هستید اینها هست دلائلی که بین من و شما را جدایی انداخته عزیز من به خودم و شما عرض می کنم می خواهم امام زمان به ما توجه کند جمع کردن مال بد نیست ولی مثل مولا امیر المومنین مال زحمت می کشید و جمع می کرد و وقف می کرد قنات حفر می کرد فرمود ابو میثم این را برای قیامتم می خواهد این را امیر المومنین دوست دارد جمع کنیم بگذاریم برویم برای چی این همه ما فامیل گرفتار و فقیر داریم چرا به فکر اونها نیستیم این دل امام زمان را می شکند این همه مستمندان در جامعه ما هستند گریه می کنیم و یابن الحسن می گوییم اما به یاد اونها نیستیم و برای اونها نمی سوزیم چند روزی نزد امام زمان علیه السلام بودم از علوم امام استفاده کردم تا روزی رسید که امام علیه السلام به من فرمودند برگرد پنجاه هزار درهم برای وجوهات آورده بودم خدمت شما تقدیم کنم حضرت اون را قبول نکردند فرمودند ناراحت نشو من قبول نمی کنم چون به این پول احتیاج پیدا می کنی و راهت طولانی است و تا اهواز باید برگردی خداحافظی کردم و تا آخر عمر دعا کردم همیشه این دیدار رخ بدهد چشمانم به جمال فرزند فاطمه روشن بشود ما از این داستانی که یک عالم بزرگ برای ما تعریف کرده چی می فهمیم رابطه ما با امام زمان از رابطه با خدا شروع می شود حدیث داریم هر کس رابطه اش را با خدا گرم کند خدا رابطه او را با دیگران گرم می کند نماز و دعا و نیایش و اشک ریختن و تضرع رابطه با امام زمان رابطه ما با مستمندان تسهیل می کند سر بزنیم به یتیمان و بیچاره ها و یتیمان و به بیماران اینها امام زمان را خوشحال می کند به رحم خودمان صله رحم داشته باشیم این امام زمان را خشنود می کند خدانگهدار شما.